



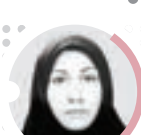
سید حسن سیدی
تحلیلگر مسائل شهری

(آفاق)

«زن و خانواده»: سرفصل راهبردی در مدیریت شهری مشهد

با توجه به گستردگی، پیچیدگی و درهم‌تنیدگی مسائل شهری، هر روز با شکل جدیدی از معضلات و مشکلات در حوزه مدیریت شهری روبه‌رو هستیم! توفیق نیافتن رویکردهای کنونی در حل ریشه‌ای مسائل شهری، معطل ماندن ظرفیت‌های بالقوه فراوان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و از سویی تأکید ویژه رهبر معظم انقلاب بر بازسازی انقلابی در همه لایه‌های مدیریتی، ضرورت تأمل و بازنگری در این رویکردها و ارتقای ساختار مدیریت شهری را در طراز گام دوم انقلاب صدچندان می‌نماید.

سیاست‌گذاری‌ها حاصل نوع نگاه و تعریفی است که از بافت شهر و عناصر تشکیل‌دهنده آن ارائه می‌شود. از منظر دینی و بومی و براساس سیاست‌های ابلاغی نظام، نهاد خانواده، سلول بنیادین اجتماع و پیکره شهری است. از سویی دیگر، مسئله زن یا توجه به نقش محوری و بی‌بدیلش در نهاد خانواده، از یکدیگر جدا نیستند و لازم و ملزوم هم‌اند. بدین ترتیب، باید گفت پیشرفت و شکوفایی شهر در گرو سرزندگی، نشاط و سلامت نهاد خانواده و سلامت و سرزندگی نهاد خانواده در گرو شکوفایی، طراوت و بالندگی وجود زن است. حقیقت پیشرفت‌های ظاهری زنان بر ویرانه‌های نهاد خانواده در غرب، کاشتن همان بادی است که فصل درو کردن طوفان آن فرا رسیده و طبق فرمایش رهبر معظم انقلاب، به‌زودی تمدن پوشالینش را مانند کشتی تایتانیک غرق خواهد کرد! انقلاب اسلامی به این انحطاط تاریخی طولانی در این زمینه پایان داد و با بهره‌گیری از ظرفیت بی‌بدیل بانوان، پیشرفت‌های خیره‌کننده‌ای در عرصه‌های گوناگون برای ایران اسلامی رقم زد. رهبر معظم انقلاب در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی: «مسئله زن و خانواده برای کشور، جزو مسائل درجه یک است. نقش و سهم بانوان در نظام، یک نقش فوق‌العاده و ممتاز است هم‌چنان که در اصل انقلاب اسلامی، نقش بانوان ممتاز بود. اول کسی که این نقش را فهمید، امام بزرگوار ما بود.» اما اکنون با ورود انقلاب اسلامی به دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی با انبوهی از کارهای بر زمین مانده در حوزه زن و خانواده مواجهیم که تحولی دیگر را در این عرصه، ناظر به اهداف ترسیم‌شده در بیانیه گام دوم انقلاب می‌طلبد. ایجاد آسایش، آرامش و امنیت روانی و اخلاقی در سنگر خانواده برای امکان حضور بانشاط بانوان در اجتماع، سنگین کردن کفه عدالت در تقسیم امکانات شهری، رفع خلأهای قانونی مربوط به حقوق زنان، اصلاح سیاست‌های خانواده‌گریز، تغییر عادات و رسوم سنتی مردسالارانه و... تنها برخی از این کارهای بر زمین مانده است. لذا با اطمینان کامل می‌توان گفت موضوع زن و خانواده در حکم زیربنا و جوهره همه ارکان و لایه‌های نظام برنامه‌ریزی شهری از سند چشم‌انداز بیست‌ساله تا برنامه‌های میان‌مدت عملیاتی است و تشکیل «کمیسیون بانوان و خانواده» در جهت دهی به همه مصوبات شورای اسلامی شهر و تصمیم‌های مدیران ستادی و اجرایی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. خوشبختانه طرح تشکیل «کمیسیون بانوان و خانواده» هفته گذشته در جلسه علنی شورای اسلامی شهر اعلام وصول شد. امید است با تصویب این طرح راهبردی با قید فوریت در جلسه آینده شورا، شاهد حرکتی تحول‌آفرین در عرصه مدیریت شهری باشیم.



شب‌نم کرمی
روزنامه‌نگار

(پرتو)

جایگاه زنان ایرانی در حفظ و بهبود سنت‌ها

میراث فرهنگی مادی است. اما نقش زنان در حفظ و ارتقای سنت‌ها یا همان میراث فرهنگی ناملوس کشورها پررنگ و انکارنشدنی است. ستن‌های بسیاری چون «لالایی‌ها»، «ترانه‌های کودکان»، «بازی‌های کلامی کودکان»، «قصه‌گویی‌ها»، «آواهای کار زنانه»، «آیین‌های زنانه»، «آداب و رسوم زنانه»، «بازی‌های زنانه»، «گردهمایی‌های زنانه»، «درمانگری‌های زنانه» و «فنون و مهارت‌های سنتی منجر به ساخت صنایع دستی زنانه» از مواردی هستند که فرهنگ و سنن ملی را به واسطه مادران، به فرزندان منتقل کرده‌اند. در مجموع، بخش چشمگیری از تجلیات میراث فرهنگی ناملوس، از اساس، زنانه است و عمدتاً در بستر خانواده شکل می‌گیرد. لازمه بقای سنت‌ها انتقال آن از نسلی به نسل دیگر است که در طبیعی‌ترین شکل، حاصل آموزشی سینه‌به‌سینه یا شفاهی است. بر این مبنا، یکی از مهم‌ترین حوزه‌های آموزش سنت‌ها، حتی در مردانه‌ترین اشکال آن، را باید در اجتماع زنان جست‌وجو کرد. نخستین ارتباطات انسانی در رابطه میان مادر و فرزند شکل می‌گیرد و همین ارتباطات هستند که عمیق‌ترین تأثیرات را در شخصیت فرهنگی انسان‌ها و برداشت آن‌ها از هویت فرهنگی‌شان باقی می‌گذارند. جدا از میراث‌های فرهنگی ناملوس زنانه که بیشتر روال‌ها و امور آن از سوی زنان سازمان‌دهی و اجرا می‌شود، بسیاری از عناصر مشترک و حتی مردانه را نیز زنان برنامه‌ریزی و مدیریت می‌کنند. چنان‌که تجربه همه ما از کودکی تا کنون - که خود مادر شده‌ایم- این حقیقت را اثبات می‌کند.

هم‌چنین حضور فرزندان گرد وجود والدین در مناسبت‌های مختلف، بیشتر با دعوت یا برنامه‌ریزی مادران انجام می‌گیرد. چنان‌که جز بخش هزینه‌کرد که معمولاً برعهده پدران است، سایر امور از نوع و اقلام خرید، چیدمان، نوع خوراکی‌ها، آشپزی، تعیین ساعت و مکان اجرای برنامه‌ها و بسیاری امور دیگر در اجرای سنت‌ها را زنان برعهده دارند. این موضوع از نقش پررنگ زنان در شکل‌گیری و تدوین فرهنگ‌ها حکایت می‌کند. از این رو، با توجه به جایگاه پراهمیت زنان در خانواده، به‌عنوان احیاگران اصلی میراث فرهنگی ناملوس و هم‌چنین نقش بی‌بدیل آن‌ها در توسعه پایدار، می‌طلبید برنامه‌ریزان فرهنگی از اهمیت این نقش در اصلاح سبک زندگی جوامع و نقش بانوان در هم‌افزایی فرهنگی غافل نشوند.

«خانجون» همان‌طور که مشغول خیساندن نخود و لوبیای آش شب‌چله بود با لبخندی شیرین با خود فکر می‌کرد امسال بچه‌ها را با چه هدیه‌ای غافل‌گیر کند! با خودش مرور کرد: انار دانه‌شده و برش‌های سرخ‌هندوانه، آجیل شیرین، برگه میوه‌های خشک، تخمه و ذرت بوداده، برش‌های لبوی پخته، شیرینی‌های ریز نخودی و از همه مهم‌تر دیوان حافظ.

مبادا چیزی از قلم افتاده باشد! سفره قلم‌کارش را روی کرسی قدیمی پهن کرد و سینی بزرگ مسی کنگره‌دارش را روی آن گذاشت تا بساط شب‌چله و دورهمی بلندترین شب سال را بر آن بچیند. از نظر خانجون خیلی اهمیت داشت که بچه‌ها و نوه‌هایش این رسم و رسوم را یاد بگیرند و به نسل‌های پس از خود منتقل کنند.

با قوت می‌توانیم بگوییم خانجون‌های زندگی همه ما بساط شب‌های چله و نوروز و مراسمی از این دست را هر سال برآیمان با رنگ و لعابی سنتی و گرم و خاطره‌انگیز پهن می‌کنند و به واسطه وجود ارزشمندشان بارها در چنین مراسمی، لذتی دوجندان را در کنار بزرگ‌ترها تجربه کرده‌ایم.

سنت‌ها و آداب و رسوم مربوط به آن‌ها یا همان «میراث فرهنگی ناملوس» به جنبه‌های غیرفیزیکی یک فرهنگ گفته می‌شود. به عبارت دیگر، این موارد شامل بخشی از فرهنگ ماست که به شکل شفاهی و سینه‌به‌سینه به ارث می‌رسند.

این موارد شامل ارزش‌های اجتماعی، سنت‌ها، آداب و رسوم و روش‌ها، باورهای زیبایی‌شناسانه و معنوی، بیان هنری، زبان و دیگر جنبه‌های کارکردهای انسانی است.

همه آثار به‌جای‌مانده از فرهنگ‌های مختلف، معرف اندیشه و فرهنگ معنوی حاکم بر آن جوامع است. در حقیقت، معنویات بشر به صورت آثار مادی، فرهنگی و تاریخی تجلی می‌یابد و جنبه ملموس میراث معنوی را ایجاد می‌کند. میراث فرهنگی حقیقت فرهنگی هر ملت است و رکن اساسی آن به شمار می‌رود که در واقع همان جوهر یا اصل فرهنگ هر قوم را تشکیل می‌دهد. این موارد فرهنگی از سوی سازمان ملل متحد «گنجینه‌های بشری» نامیده شده‌اند. توجه به میراث معنوی از این نظر اهمیت دارد که می‌تواند در برابر یکسان‌سازی فرهنگی در جهان مقاومت و از هویت فرهنگی کشورها حفاظت کند. البته باید توجه کنیم که حفظ میراث معنوی دشوارتر از حفظ



شهربانو

۲۹ آذر ۱۴۰۰
شماره ۲۵۵

(۲)